



موانع روش شناختی توسعه علوم انسانی

نویسنده: فرامرز قراملکی، احد

اطلاع رسانی و کتابداری :: بازتاب اندیشه :: اردیبهشت 1384 - شماره 61
از 13 تا 19

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/74618>

دانلود شده توسط : زهرا سادات مدرسی

تاریخ دانلود : 1393/02/01 17:38:38

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



موانع روش شناختی توسعه علوم انسانی

احد فرامرزی قراملکی

فصلنامه قیسات، ش ۳۴، زمستان ۸۳



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

چکیده: توسعه علوم انسانی عوامل مختلفی دارد. در این مقاله به موانع مختلف رشد دانش‌های انسانی اشاره شده است. در آمیختن مشکل و مسئله، تحویلی‌نگری، اخذ مسئله نما به جای مسئله، اخذ نظریه به جای فرضیه، در آمیختن مرز علوم، حصرگرایی روش شناختی و فقدان الگوی پژوهشی برای تحلیل چند تجاری، هفت مانع عمده در راه رشد و توسعه علوم انسانی بر شمرده شده است.

بحث از علل تسهیل کننده و موانع باز دارنده توسعه علوم انسانی در دو مقام قابل طرح است: مقام تعریف و مقام تحقق. این دو مسئله از جهات مختلفی تفاوت دارند: اول، مسئله دوم به فرهنگ وابسته است و دوم، مسئله دوم صرفاً با روش‌های تحلیلی - منطقی قابل بررسی نیست؛ بلکه محتاج مطالعه بعدی و تجربی است.

توسعه علوم انسانی از امور چندعاملی^۱ است و در تبیین آن، عوامل منطقی، روش شناختی، روان شناختی، جامعه شناختی و تاریخی را می توان مورد توجه قرار داد. در

بازتاب‌اندیشه ۶۱

۱۳

موانع
روش شناختی
توسعه
علوم انسانی

این میان، عوامل روش‌شناختی نقش راهبردی در توسعه علوم انسانی دارد. به همین دلیل می‌توان از موانع روش‌شناختی توسعه علوم انسانی جست‌وجو را آغاز کرد. می‌دانیم نیروی محرکه توسعه علوم، پژوهش نظام‌مند است. اما در عمل، پای‌بندی به روش تحقیق در علوم انسانی، به معنای پای‌بندی به چارچوب نظری، اصول و قواعد گسترده‌ای که پژوهش به آن متعلق است، کم‌رنگ می‌باشد. یکی از عوامل این امر، عدم الزام عملی به اصل مسبوقیت پژوهش بر آموزش کافی در گستره است. عامل مهم عدم پای‌بندی عملی به روشمندی پژوهش در حوزه علوم انسانی، منقح نبودن اصول و فنون آن است. به عنوان مثال، تمایز مشکل^۱ و مسئله^۲ برای بسیاری از محققان علوم انسانی به صورت منقح مورد تأمل قرار نگرفته است و یاروش‌شناسی تحلیل مسائل چندتباری^۳ روشن نشده است. جستار در این موانع، معطوف به مقام تحقق علوم انسانی و با نظر به وضعیت آن علوم در محافل علمی معاصر در جامعه خودمان، مسئله مقاله حاضر است.

۱. درآمیختن مشکل و مسئله

بسیاری از آنچه در برخی از گستره‌های علوم انسانی به عنوان پژوهش ارائه می‌شوند، اساساً موضوع محورند و نه پژوهش معطوف به مسئله. بدون تشخیص دقیق مسئله، نمی‌توان روش مناسب برای حل اثربخش آن را به دست گرفت. علم از مسئله فرجه شود و حل مسئله مسبق به تشخیص دقیق آن است. یکی از موانع تشخیص دقیق مسئله، عدم توجه به تمایز مشکل و مسئله است.

معضله به اصطلاح علم منطق به شکل مسئله مرکب^۴ و یا جمع مسائل در مسئله واحد است که نزد منطق‌دانان از مغالطه‌های رهن‌اندیشه محسوب می‌شود. معضله، مرکب، فراگیر، عام، مبهم، نامتمایز، سطحی و غیرقابل بررسی روشمند و حل‌ناپذیر است. با تبدیل مشکل به مسئله معین، متمایز و روشن، می‌توان آن را قابل بررسی و روشمند کرد و از حل آن جست‌وجو نمود.

یکی از آثار عدم توجه به تمایز مشکل به مسئله و حصر توجه به مشکلات، گرایش محقق به ارائه نظریه‌های کلان و بسیار عام است که چون کلیدی از جنس هوا به هر قفل مشکل درآید، اما هیچ معضلی را ننگشاید و این خود از موانع مهم رشد و توسعه علوم انسانی است.

بازتاب‌اندیشه ۶۱

۱۳
موانع
روش‌شناختی
توسعه
علوم انسانی

1. difficulty
2. problem
3. multiple - origins
4. complex question fallacy

۲. تحویلی نگری

خطر تحویلی نگری^۱ به گونه‌ای است که برخی از اندیشمندان از آن به بردگی ذهنی^۲ تعبیر کرده‌اند. تحویلی نگری که از عمده‌ترین آسیب‌های تفکر مدرنیسم است، به تعبیر ساده و آسان یاب خطای اخذ وجهی از شیء به جای همه هویت آن نامید. اما در تحویلی نگری خطای کنه و وجه ناشی از عدم دقت نیست، بلکه ناشی از انگاره و سیستم فکری حاکم بر ذهنیت محقق است که او را به فروکاستن پدیدارها به امور کوچک‌تر از آنچه هستند، سوق می‌دهد. جهان‌بینی مادی‌گرایانه و اصالت ماشینی قرن هجدهم، متفکر را به انگاره انسان که چیزی جز ماشینی پیچیده نیست، الزام می‌کند. ماکرو و تئورسین‌های قرن نوزدهم سهم زیادی در ترویج تحویلی نگری داشته‌اند. تحویلی نگری فرزند حصرگرایی روش‌شناختی است و مادامی که این حصرگرایی در مان نشود، تحویلی نگری چاره نمی‌شود.

۳. اخذ مسئله‌نما به جای مسئله

یکی از مهم‌ترین موانع تشخیص دقیق مسئله، عدم توجه به تمایز مسئله‌نما^۴ و مسئله است. هرگونه انحراف محقق از مسئله، مانعی در توسعه دانش است. برای پرهیز از این انحراف، باید به این نکته توجه کرد که هر مسئله‌ای در خور تحقیق نیست. یکی از مواضع اخذ مسئله‌نما به جای مسئله، معطوف شدن تحقیق به مسئله بی‌معنا و یا مسئله خودستیز است.

۴. اخذ فرضیه به جای نظریه

پاسخ اولیه و حدسی محقق را به مسئله، فرضیه می‌نامیم. اما نظریه را به فرضیه پیروز از آزمون برآمده و پاسخ قطعی و یقینی (یا تأیید شده) محقق اطلاق می‌کنیم. ساده‌ترین شکل فرآیند پژوهش مرکب از چهار مرحله است: ۱. مواجهه محقق با مشکل؛ ۲. تبدیل مشکل به مسئله؛ ۳. پیشنهاد و تدوین فرضیه و ۴. به آزمون روشمند سپردن فرضیه برای نیل به نظریه تعمیم‌یافته و تأیید شده. وقتی محقق، پاسخ اولیه خود را نه حدس بلکه نظریه‌ای یقینی و جازم تلقی کند، به جای جست‌وجو از موارد نقض و نقص، در پی موارد تأیید خواهد رفت، کم‌ترین مؤید را حجت تام خواهد انگاشت، نسبت به نقد منتقدان و فرضیه‌های رقیب ناشنوا خواهد بود و منتقدان را خصم و قاصر از فهم نظریه خود، خواهد پنداشت. تحویلی نگری،

بازتاب‌اندیشه ۶۱

۱۵

موانع
روش‌شناختی
توسعه
علوم انسانی

1. reductionism

2. mental slavery

۳. لاروش (La Rouche)، ۲۰۰۴، ص ۱

4. pseudo - problem

دگماتیسم نقابدار، نقدناپذیری و گریز از کار گروهی از آثار زیانبار نظریه‌پنداری فرضیه‌اند.
۵. در آمیختن مرز علوم

توجه به تمایز روش علوم در حل اثربخش مسائل اهمیت راهبردی دارد. هر مسئله‌ای به گستره معینی از علوم تعلق دارد. اصل تعلق پژوهش به گستره معینی از دانش، ضابطه‌مندی تحقیق را تعیین می‌کند. این اصل در بسیاری از علوم طبیعی، فنی و ریاضی مورد توجه است. اما در مسائل علوم انسانی غالباً مورد غفلت واقع می‌شود. بسیاری از کسانی که با ابزارهای تجربی به مسائل متفاوتی یکی یا عرفانی می‌پردازند و کسانی که از روش‌های فلسفی، حل مسائل روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی را انتظار دارند.

یکی از موانع رشد و توسعه علوم انسانی، روشن نبودن حد و حدود گستره‌های مختلف این حوزه از دانش بشری است. بسیار دیده می‌شود که محقق مرز بین فقه و حقوق را در نمی‌یابد و یا کلام و فلسفه را در می‌آمیزد و یا کلام جدید را به فلسفه دین تحویل می‌دهد. محقق برای رفع این رخنه روشی در مواجهه با مسائل باید ابتدا به تبارشناسی مسئله بپردازد.
۶. حصرگرایی روش شناختی

عده‌ای تأکید بر تمایز روشی علوم را، به خطا، به معنا و یا مستلزم حصرگرایی روش شناختی^۱ انگاشته‌اند. مراد از حصرگرایی روش شناختی آن است که محقق پس از وقوف به اینکه مسئله مورد تحقیق وی مثلاً به روان‌شناسی متعلق است، خود را به چارچوب نظری، قواعد، مبانی، نظریه‌ها و ابزارهای همین دانش محدود کند و رهیافت‌ها و راه‌آورد‌های دیگر علوم را انکار و نفی کند.

«حصرگرایی روش شناختی» پرآسیب‌ترین و پرسابقه‌ترین عارضه پژوهش و رشد علوم است. در تاریخ تفکر، فیلسوف غالباً متکلم را به کوتاهی در فهم و معرفت متهم می‌ساخت و سلفی و تفکیکی، هر دو، را از جاده حقیقت دور می‌دید و عارفان بر هر سه گروه طعنه تحقیرآمیز می‌زدند و فقها هر چهار گروه را به دیده شک و تردید و یا انکار و تکفیر می‌نگریستند. در روزگار ما به ویژه در عصر مدرنیته، حصرگرایی شتاب زیاد و پیچیدگی فراوان یافت و به تدریج از بین گستره‌ها به درون آنها و مکاتب یک علم نفوذ کرد.

حصرگرایی نوین محصول دوره مدرنیسم است و رواج آن عوامل فراوانی دارد. علاوه بر زمینه‌های مناسب در پایه‌های شخصیتی محقق (مانند نقصان هوش هیجانی)، این عامل را

بازتاب‌اندیشه ۶۱

۱۶

موانع
روش‌شناختی
توسعه
علوم انسانی

می‌توان مورد تأکید قرار داد که گزینشی بودن علوم تجربی، جزئیات‌گرایی دکارتی (قاعدۀ تحلیل به جزئیات) و تخصصی شدن دانش‌ها سبب شد محقق به جنبه‌ای از پدیدار گرایی پیدا کند و از ابعاد دیگر و سایر زمینه‌های معرفتی بی‌خبر گردد. این بی‌خبری که نتیجه طبیعی روش‌شناسی علوم است، با سازوکار روانی انکار همراه گردید و حصرگرایی روش‌شناختی را به میان آورد.

۷. فقدان الگوی پژوهشی برای مسائل چندتباری

بسیاری از مسائل علوم انسانی چندتباری‌اند. مسئله‌ای که مقاله حاضر به آن متعلق است، یعنی «توسعه علوم انسانی»، نمونه بارزی از مسائل چندتباری است. رخنه روشی عمده در تحقیقات رایج در علوم انسانی در جامعه ما، عدم توجه به تمایز روشی مسائل تک‌تباری و مسائل چندتباری است و رخنه دیگر، عدم توجه به این نکته است که تحلیل مسائل چندتباری، محتاج روش خاص و الگوی پژوهشی معین است. مسائل چندتباری را جز با روش‌های میان‌رشته‌ای نمی‌توان بررسی کرد و اخذ چنین روش‌های محتاج‌الگوهای اثربخش است. محققان در جامعه ما کمتر به مطالعه میان‌رشته‌ای در مواجهه با این مسائل می‌پردازند.

سر این رخنه فاحش چند امر است: اولاً، کار گروهی‌ای مرکب از متخصصان رشته‌های مختلف در بررسی مسئله واحد وجود ندارد. ثانیاً، تساهل و تسامح یا به تعبیر دقیق‌تر سعه صدر نسبت به ره‌آوردهای دیگر رشته‌ها بسیار کم‌تر است. ثالثاً، از همه مهم‌تر، الگوهای پژوهشی و قواعد منطقی مطالعه میان‌رشته‌ای، مدون و منقح نشده است.

غیبت مطالعه میان‌رشته‌ای در جامعه ما، از جهت تاریخی عجیب است؛ زیرا در فرهنگ ایران اسلامی، چهار قرن پیش، ملاصدرای شیرازی به اهمیت کثرت‌گرایی روش‌شناختی^۱ و اخذ روی‌آورد میان‌رشته‌ای توجه داشته است. وی بسیاری از مسائل الاهیات را با الگوی چالش بین روی‌آوردهای تفسیری، کلامی، فلسفی و عرفانی مورد تحلیل قرار می‌داده است. امروزه تولید علم و رسیدن به نظریه در حوزه علوم انسانی، به بسط و توسعه روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای محتاج است.

● اشاره

بی شک یکی از عمده‌ترین موانع توسعه علوم انسانی، نقایص روش‌شناختی در پژوهش‌ها، مجاری در گسترده‌های گوناگون این علوم است. در این مقاله هفت نقیصه مهم مورد اشاره قرار گرفته است. همه این موانع مهم و بسیار تأثیر گذارند و برای رفع این نقایص باید چاره‌اندیشی کرد. در عین حال باید توجه داشت، چنان‌که نویسنده محترم نیز توجه داشته است، که موانع منحصر در موانع روش‌شناختی نیستند. می‌توان به موانع روان‌شناختی مانند بی‌شهامتی در نوآوری و محافظه‌کاری، تقلید، مریدبازی و... اشاره کرد. همچنین می‌توان به موانع جامعه‌شناختی، مانند کم‌بها بودن علوم انسانی در میان مردم جامعه ما و عدم گرایش نخبگان به این رشته‌ها، ارزش‌گذاری اندک دولت بر این علوم و... نیز موانع اقتصادی مانند کمی درآمد متخصصان این دانش‌ها در نسبت با دانش‌هایی چون مهندسی، پزشکی و... اشاره کرد.

در هر حال آنچه نویسنده محترم نگاشته‌اند، هفت مانع مهم در بعد روش‌شناسی است که رفع آنها مقدمه هر پیشرفتی، یا دست‌کم مقدمه پیشرفت‌های مهم در این رشته‌هاست. ۲. برخی موانع ذکر شده، مانند در آمیختن مشکل و مسئله، تحویلی‌نگری، اخذ مسئله نما به جای مسئله و... از مغالطات منطقی شناخته شده‌اند. اگر بنا باشد این مغالطات ذکر شوند، تعداد آنها بیشتر خواهد شد. نویسنده محترم می‌توانستند همه موانع منطقی را ذیل یک عنوان ذکر کنند و ضرورتی به ذکر جداگانه آنها نبود. در صورت احساس ضرورت به ذکر جداگانه، جاداشت موارد مهم دیگری را نیز بیان کنند، از مغالطات لفظی در تحدید و تعریف مسئله گرفته تا مغالطات صوری در رعایت نکردن روش استدلال و مراحل منطقی استنتاج.

۳. علاوه بر موانع روش‌شناختی ذکر شده، باید به موانع مهم دیگری در همین زمینه اشاره کرد. یکی از این موانع بی‌بها کردن مقام کشف در علوم تجربی، از جمله علوم انسانی است. البته این بی‌بها کردن از سوی عده‌ای اعمال شده است، ولی در میان اقشار تحصیل کرده قبولی عام یافته است. همچنین این مانع میان علوم انسانی و علوم طبیعی مشترک است. در هر حال، مقام کشف نیز به اندازه مقام داوری در توسعه و رشد علوم نقش دارد. باید اهمیت مقام کشف را شناخت و تلاش کرد تا قواعد آن را تبیین نمود. هر توسعه‌ای از مقام کشف آغاز می‌شود. بدون داشتن حدس‌های صائب، هیچ توسعه‌ای در علوم انسانی رخ نمی‌دهد. راه دست‌یابی به چنین حدس‌هایی، چندان هم بی‌ضابطه نیست. از باب نمونه می‌توان به تلاش‌های پیرس در ابتدای قرن بیستم اشاره کرد که فرضیه‌یابی^۱ یا ارجاع به بهترین تبیین^۲ را مطرح کرد. فرضیه‌یابی، روشی دیالکتیکی برای دست‌یابی به بهترین

بازتاب‌اندیشه ۶۱

۱۸

موانع
روش‌شناختی
توسعه
علوم انسانی

حدس‌ها یا بهترین تبیین‌ها و مربوط به مقام کشف است.
۴. همچنین باید شناختن جهت‌داری علوم انسانی را مانعی بزرگ بر سر راه توسعه این دانش‌ها در جامعه ایران دانست. بدیهی است هنگامی که جهت اصلی حرکت مردم و دولت و سمت و سوی فعالیت‌های اجتماع اهداف متعالی الهی و اخلاقی باشد، نمی‌توان با دست‌مایه‌های علوم انسانی غربی که با جهت‌گیری صرفاً مادی شکل گرفته‌اند، در راه آن اهداف متعالی گام برداشت. آن علوم به کار این جامعه نمی‌آید و به طور مداوم با ناکارآمدی مواجه می‌شود و امکان توسعه آنها فراهم نمی‌آید. اما اگر این مانع برطرف شود و اندیشمندان و پژوهشگران علوم انسانی بتوانند مبانی و اصول و روش‌های این علوم را متناسب با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و ایرانی شکل دهند، امکان توسعه این دانش‌ها بر بستر تجربه در جامعه ایرانی - اسلامی پدید می‌آید.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی